

" امروز را نگران باشید و سخن از امروز رانید "

اخبار عالم بهائی

آوریل ۲۰۱۱ سال دوم شماره ۸

شهرالجمال ۲۸ بدیع

ترجمه‌ای از پیام بیت العدل اعظم الهی خطاب به بهائیان جهان

رضوان ۲۰۱۱ میلادی (۱۶۸ بدیع)

(از: مرکز جهانی بهائی)

ستاینندگان اسم اعظم در سراسر عالم
ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،



در آغاز این ایام خجسته
مشاهده درخشش مجدد قبهٔ ذهبی مقام
منبع اعلی، تاج و هاج آن بنای مقدس،
دیدگان این مشتاقان را روشن و منور
ساخته است. این بنای رفیع البنیان بار
دیگر با آن تالاف ملکوتی که منظور
نظر حضرت ولی محبوب امر الله بود

روز و شب بر زمین و دریا و آسمان می‌درخشد و بیانگر عظمت و علو مقام نفس مقدسی است که رمس مطهرش را در آغوش خود ارج می‌نهد. این لحظات پرسرور با اختتام مرحله فرخنده‌ای در پیشرفت نقشهٔ ملکوتی مصادف است. تنها یک دهه به پایان اولین قرن عصر تکوین باقی مانده است، اولین صدهای که در ظل ممدود الواح و صایای مبارکهٔ حضرت عبدالبهاء سپری خواهد شد. نقشهٔ پنج‌ساله‌ای که اکنون به پایان رسیده نقشهٔ دیگری را به دنبال دارد که خصوصیات آن موضوع مطالعات گسترده‌ای در سراسر عالم بهائی بوده است. پاسخ احباً به پیام صادره خطاب به کنفرانس هیئت‌های مشاورین قاره‌ای و نیز به پیام رضوان دوازده ماه پیش برآستی موجب رضایت خاطر این جمع است. یاران الهی که به درک و فهم محدود حاصله از یک بار مطالعه قانع نبوده‌اند این پیام‌ها را بارها فرداً و جمعاً در جلسات رسمی و گردهم‌آیی‌های خودجوش مرور نموده‌اند و بر اثر مشارکت فعال در برنامه‌های رشد که در محدوده‌های جغرافیایی در دست اجرا است به درک غنی‌تری نائل شده‌اند. بدین ترتیب، ظرف چند ماه جامعهٔ بهائی در سراسر جهان آنچه را برای آغاز موقفیت‌آمیز دههٔ آینده نیاز دارد آگاهانه کسب نموده است.



در طی همین مدّت، موجی از تحولات سیاسی و پریشانی اقتصادی در قارّات مختلف، دولت‌ها و ملت‌ها را آشفته ساخته و جوامعی را به آستانه انقلاب و در مواردی به ماورای آن سوق داده است. رهبران دریافته‌اند که برای تضمین امنیت نه ثروت کفایت کند و نه تسلیحات مدد رساند. هر جا که خواسته‌های مردم برآورده نشده خشم عمومی شعله‌ور گشته است. عبرت‌انگیز است بیان مهین جمال قدم که حکمرانان را در رابطه با مردم خود متنبّه ساخته می‌فرمایند: **"أَنَّهُمْ خَزَائِنُكُمْ أَيُّكُمُ ان تَحْكُمُوا عَلَيْهِمْ بِمَا لَا حَكْمَ بِهِ اللَّهُ وَ أَيُّكُمُ ان تَسْلُمُوها بِأَيْدِي السَّارِقِينَ."** ولی هر جقدر اشتیاق مردم برای ایجاد تغییر، جذاب و

مسحورکننده باشد باید آگاه بود که قوایی وجود دارد که به خاطر منافع شخصی مسیر وقایع را زیرکانه منحرف می‌سازد. البته مادامی که علاج مفید طیب الهی نادیده گرفته شود رنج و عذاب این عصر همچنان ادامه یافته عمیق‌تر خواهد شد. امروز هر ناظر دلسوزی بی‌درنگ فروپاشی شتابنده و نامنظم ولی بی‌امان نظم عالم را که شدیداً نارسا و اسفبار است تصدیق می‌نماید.

ولی در مقابل این فروپاشی نیروی سازنده‌ای نیز مشهود است که به فرموده حضرت ولی‌امرالله مرتبط با "دیانت نوپای حضرت بهاءالله" بوده **"مبشّر نظمی جهانی و بدیع است که امر بهائی باید آن را نهایتاً تأسیس نماید."** اثرات غیر مستقیم این نیروی سازنده را می‌توان در فوران احساسات به خصوص در میان نسل جوان مشاهده نمود، احساساتی که از اشتیاق به مشارکت در فرایند پیشرفت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد. موهبتی که شامل حال پیروان جمال قدم شده آن است که این اشتیاقی که در سراسر عالم بی‌وقفه از روح انسانی سرچشمه می‌گیرد قادر است در مجهوداتی که جامعه بهائی به منظور ایجاد توان‌مندی جهت اقدام مؤثر در بین مردم متنوع جهان انجام می‌دهد، جلوه‌ای چنین سازنده داشته باشد. کدام موهبتی است که با این برابری نماید؟

برای کسب بصیرت در این کار، شایسته چنان است که هر مؤمن مخلص توجه به حضرت عبدالبهاء نماید، شخصیت عظیم الشّانی که امسال صدمین سال "اسفار تاریخی" حضرتش را به کشور مصر و جهان غرب گرامی می‌داریم. آن طلعت نورا به نحوی خستگی‌ناپذیر در هر فضای اجتماعی - در منازل و نوان‌خانه‌ها، در کلیساها و کنائس، در پارک‌ها و میادین عمومی، در قطارها و کشتی‌ها، در باشگاه‌ها و انجمن‌ها و در مدارس و دانشگاه‌ها - به ابلاغ و انتشار تعالیم مبارک اقدام نمود و با قاطعیت کامل ولی با شیوه‌ای بی‌نهایت آرام و متین به دفاع از حقایق پرداخته اصول و مبادی الهیه را بر طبق مقتضیات این عصر تشریح فرمود. آن حضرت بدون ادنی فرق و تمایزی و به مقتضای نیاز افراد، برای همگان - اولیای امور، دانشمندان، کارگران، کودکان، والدین، تبعیدشدگان، فعالان اجتماعی، روحانیون و شگاکسیون - پیک محبت، سرچشمه حکمت و مایه تسلی و راحت بود. همچنان که قلوب‌شان را به اهتزاز می‌آورد، فرضیات‌شان را زیر سؤال برده به دیدگاه‌شان جهت جدیدی می‌بخشید و آگاهی آنان را وسعت داده قوایشان را در مصالح عالم انسانی متمرکز می‌ساخت. هیکل اطهر قولاً و عملاً، چنان همگان را مورد محبت و شفقت و جود و کرم خود قرار می‌داد که قلوب به کلی تقلیب می‌شد و هیچ‌کس از حضور مبارک محروم بازمی‌گشت. امید و طید

این جمع آن است که در طی این دوران بزرگداشت صدمین سال آن اسفار تاریخی، یادآوری مکرر وقایع حیات بی‌نظیر آن هیکل بقا روح جدیدی به قلوب ستابندگان صادق حضرتش بخشید. پس مثل اعلاى مولای حنون را نصب العین خود سازید و آن را در پی‌گیری اهداف نقشه راهنمای خویش قرار دهید.

در آغاز اولین نقشه جهانی جامعه بهائی، حضرت ولی‌ام‌الله با لحنی قاطع مراحل متوالی ظهور انوار الهی را توصیف فرمودند که چگونه در سیاه چال طهران تجلی نمود و سپس در سراج امر الهی در بغداد برافروخت و به کشورهای آسیا و افریقا انتشار یافت و در حالی که با اشراقی‌اش در ادرنه و عکا شعله‌ور بود اشعه آن از فراز دریاها به دیگر قارّات عالم رسید و چگونه مآلاً به تدریج در تمامی کشورها و سرزمین‌های جهان فروزان خواهد گشت. هیکل مبارک قسمت نهایی این فرایند را "نفوذ انوار امر الهی ... در جمیع اقطار باقی مانده کره ارض" توصیف نموده و از آن به عنوان "مرحله‌ای که در آن تجلیات امر مظفر و منصور الهی در نهایت قدرت و عظمت تمامی کره ارض را اشباع و احاطه خواهد نمود." یاد فرموده‌اند. هرچند راه درازی تا تحقق این هدف در پیش است ولی هم‌اکنون این نور در بسیاری از مناطق عالم به شدت تابان گشته است، در بعضی از کشورها در تمام محدوده‌های



جغرافیایی می‌درخشد، و در سرزمینی که اولین شعله این نار موقده لایطفی طالع شد علی‌رغم تلاش در فرونشاندن آن همچنان می‌درخشد. در سایر ممالک با اشتعال شمع ایمان به ید قدرت الهی در قلوب مستعدّه افراد یکی بعد از دیگری، این نور قدسی در محله‌ها و دهکده‌های ملل گوناگون مستمراً می‌تابد، مکالمات هدف‌مند در هر سطحی از تعامل بشری را منور می‌سازد و بر اقدامات بی‌شماری در جهت رفاه مردم پرتو می‌افکند. این است آن نور الهی که چون پرتوی نورانی در مقابل ظلمت، دائماً از وجود هر مؤمن باوفا، هر جامعه پویا و هر محفل روحانی آراسته به حبّ و ولا ساطع می‌گردد.

در اعتاب مقدسه علیا به کمال تضرّع و ابتهاج دعا می‌کنیم که هر یک از شما حاملان این شعله جاودانی در مساعی خود برای اشتعال بارقه ایمان در قلوب دیگران مشمول تأییدات لاریبیه جمال قدم گردید.

[امضا: بیت العدل اعظم]

ای دل بشارت میدهم خوش روزگاری میرسد
یا درد و غم طی میشود یا شهریاری میرسد
ای منتظر غمگین مشو قدری تحمل بیشتر
گردی به پا شد در افق گویی سواری میرسد

زیبایی زیارتگاه بازسازی شده بهائی بازدیدکنندگان و زائران را خیره خواهد کرد



۲۳ فروردین ۱۳۹۰
(سرویس خبری جامعه جهانی بهائی) - پس از بیش از دو سال کار فشرده، پرده برداری از زیارتگاه بازسازی شده بهائی و گنبد طلائی اش در حیفا اسباب شادمانی بازدیدکنندگان، زائران و ساکنان شهر شد.

در اولین ساعات صبح امروز، آخرین مجموعه پوشش ها از گنبد مقام برداشته شد و حدود ۱۲,۰۰۰ کاشی طلاکاری شده چون تاجی بر گنبد این بنای بازسازی شده بر فراز کوه کرمل پدیدار شد.

آرامگاه (مقام) حضرت باب در کوه کرمل، حیفا، اسرائیل پس از از بیشتر از دو سال مرمت و بازسازی گسترده پرده برداری شد. این بنا همراه با آرامگاه حضرت بهاءالله در نزدیکی عکا به عنوان اماکنی با «ارزش بارز جهانی» در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسیده است. عکس: مرکز جهانی بهائی. حقوق محفوظ

بیت العدل اعظم پس از زیارت آرامگاه برای به جا آوردن دعای شکر اعلام کرد: «امروز "ملکه کرمل" که در بیشتر دوران پروژه از دید عموم پنهان بود نقاب از رخ برافکنده...»

شهردار حیفا، یونا یهاو، اندکی بعد در جشنی که در مجتمع تاریخی معبد آلمانی شهر، با منظر زیبایش از آرامگاه و باغ های مطبق آن، برگزار شد، به مقامات مدنی و مهمانان مدعو دیگر پیوست.

آقای یهاو گفت: «من اولین شهردار حیفا هستم که واقعاً متولد اینجا هستم. من در سال ۱۹۵۴ شاهد ساخت روبنای مقام بودم. دیدن این بازسازی ها خیلی بر من تأثیر گذاشت. این کار بسیار پر اهمیت است.»

آرامگاه حضرت باب و باغ هایش به خاطر زیبایی و آرامش شان در سراسر دنیا پرآوازه هستند. در سال ۲۰۰۸، این آرامگاه - همراه با آرامگاه حضرت بهاءالله در نزدیکی عکا - به عنوان اماکنی با «ارزش بارز جهانی» در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. تنها در سال گذشته از حدود ۷۶۰,۰۰۰ گردشگر و ۷۵۰۰ بازدیدکننده و زائر بهائی در اینجا پذیرایی شد.

شهردار یهاو گفت: «این آرامگاه بر کل ساختار حیفا تأثیر دارد و هسته و نماد این شهر چندفرهنگی و روادار است.»

دو سال جلوتر از برنامه

بیت العدل اعظم در پیامی که به جامعه بهائی سراسر دنیا فرستاده شد، توضیح داده اند که «مرمت این بنای شکوهمند به دنباله سه سال تدارک و آمادگی قبلی آغاز شد، شامل مطالعات وسیع و پردامنه‌ای جهت بررسی وضعیت ساختمان، تجزیه و تحلیل اثرات عوامل طبیعی بر آن و تصمیم‌گیری لازم در باره رویکردها و مصالح مناسب جهت نوسازی به نحوی که هم اصالت طرح اولیه محفوظ بماند و هم در مقابل فرسایش ناشی از گذشت زمان مقاومت نماید.»



هنگام شروع این بازسازی در سال ۲۰۰۸، بیش از ۵۰ سال قرار داشتن در معرض شرایط جوی و زیست محیطی حیفا عوارض خود را بر روینای سنگی و گنبد مقام گذاشته بود.

سعید صمدی، مهندس و مدیر پروژه، می گوید برآورد متخصصان، برای انجام این بازسازی پنج تا شش سال بود. «ما ابتدا آوریل ۲۰۱۳ را برای پایان کار تعیین کردیم. این که پروژه در کمتر از سه سال به پایان رسیده حاصل فداکاری کامل و همراهی همه دست اندرکاران است.»

آقای صمدی می گوید: «اعضای گروه اهمیت این مکان را کاملاً درک می کردند و هرگز فراموش نکردند که کجا مشغول به کارند. همه ما از این اصل بهائی که همه چیز باید در اوج کمال ساخته شود، پیروی می کردیم.»

برای این طرح لازم بود ساخت درونی و بیرونی بنا به شکل اولیه اش در سال ۱۹۰۹ بازسازی و نگهداری شود و نیز اقداماتی برای مقاوم کردن آن در برابر زمین لرزه صورت گیرد. یک طرح کاملاً تازه بازسازی - با ترکیبی از بتن، فولاد و فناوری پوشش فیبر کربنی- برای تمام ساختمان، از شالوده و آجرکاری اولیه تا هشت ضلعی پائین، استوانه بدنه و گنبد بنا لازم بود. بیش از ۱۲۰ مهار فولادی در کوه و پشت دیوارهای نگهدارنده که تازه مستحکم سازی شده بودند، جاسازی شد.

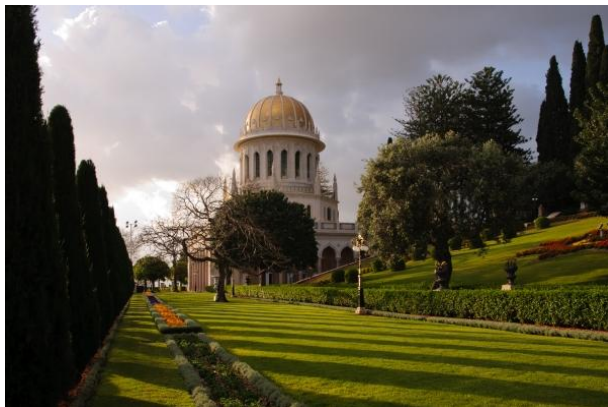
به گفته آقای صمدی: «حدود ۸۰,۰۰۰ نفر - ساعت برای افزایش چشمگیر مقاومت مقام در برابر زلزله صرف شد، که البته از نظرها پنهان است و در زیبایی و شکوه معماری اولیه هیچ تأثیری ندارد.»

مرمت سنگ و گنبد

آقای صمدی می گوید یک پروژه دو ساله که پیشتر روی ساختمان آرشیو بین المللی بهائی در نزدیکی مقام انجام شد، کمک مهمی در پیشرفت پروژه بازسازی این بنا کرد.

«ما قبل از پایان کار روی ساختمان آرشیو، آرامگاه را بررسی و درباره مواد و فناوری ها تحقیق کردیم. آن تجربه نیروی اولیه زیادی به ما داد. ما متخصصان را می شناختیم و مهارت ها و فناوری ها را تکمیل کردیم. در مورد مقام ما برای شروع یک کارمنتظر پایان کار دیگر نمی شدیم. در حالی که روی ساخت کار می کردیم، احیای سنگ ها و بسیاری کارهای دیگر را همزمان انجام می دادیم.»

کارکنان دفتر بازسازی و داوطلبان - از جمله جوانان بسیاری - اهل استرالیا، کانادا، چین، اکوادور، آلمان، هند، کنیا، مغولستان، هلند، زلاندنو، آفریقای جنوبی، بریتانیا، ایالات متحده آمریکا و وانواتو - که همه توسط متخصصین مجرب آموزش دیدند، بیش از ۵۰,۰۰۰ نفر - ساعت روی سنگ کاری ها نیرو گذاشتند. هر سانتی متر مربع از نمای خارجی ساختمان بررسی و بازسازی شد.



آقای صمدی می گوید: «برای رونمای اصلی، قرار بود مرمر کارارا استفاده شود اما به دست آوردن آن پس از جنگ جهانی دوم ساده نبود. تنها سنگ موجود مرمر شیامپو بود. وقتی ما تحقیق می کردیم که ببینیم در اروپا چطور آن را مرمت کرده اند، پی بردیم که این سنگ - به خاطر طبیعتش - هیچ جای دیگری برای پوشش بیرونی به کار نرفته و فقط در کف سازی

استفاده شده. هیچ سابقه ای درباره نحوه مرمت آن وجود نداشت.»

باید فناوری های تازه ای نیز برای جایگزین کردن کاشی های طلایی مقام طراحی می شد. به مدت دو سال تلاش هایی شد که شاید مرمت کاشی های قدیمی که به شدت فرسایش یافته بودند، عملی شود. آقای صمدی می گوید: «ما وضعیت تک تک کاشی ها را بررسی کردیم، اما به خاطر تأثیر شرایط محیطی بسیاری از آنها شکسته و غیر قابل تعمیر بودند و بقیه را نمی شد به زیبایی اولیه شان بازگرداند.»

پس از چندین سال پژوهش، برای ساختن کاشی های تازه در بیش از ۱۲۰ شکل و اندازه مختلف با یک شرکت پرتغالی قرارداد امضا شد. از پیشرفته ترین فن آوری ها برای ساختن کاشی های از چینی خالص، پوشیده از لایه های از ترکیب لعاب و طلا و یک روکش نهایی بسیار بادوام، استفاده شد.

آقای صمدی می گوید: «این شرکت قبلاً هیچ گاه کاری شبیه این انجام نداده بود. شهرت آنها به خاطر ساخت مصنوعات چینی برای موزه هاست. اما نتیجه عالی بود. کاشی ها نه

تنها زیبا هستند، بلکه پنج تا شش برابر کاشی های اولیه در برابر ساییدگی مقاومت دارند.»



بروس هنکاک، یک بنا و کاشی کار متخصص اهل زلاندنو، برای نظارت بر کار، که قرار بود توسط کارکنان دفتر بازسازی انجام شود، آورده شد. آقای هنکاک می گوید «ما باید در حین کار یاد می گرفتیم. معمولاً کاشی ها مربع شکل هستند. اما این کاشی ها از همه شکل و اندازه ای بودند و در همه ردیف ها قوس دارند.»

«اول نگران بودم که چطور می خواهیم آن قوس را ایجاد کنیم، اما کاشی ها طوری طراحی و محاسبه شده بودند که خودشان منحنی ها را ایجاد می کردند. به نظر می رسید به خودی خود جان دارند. اگر ما درست کار می کردیم و دو گوشه را درست می گذاشتیم، کاشی ها هم کار خودشان را درست میکردند. واقعاً شگفت آور بود.»



بیت العدل اعظم در پیام خود می نویسند گنبد مقام حضرت باب «اکنون با شکوه و جلال فراوان می درخشد.»

یونا یهاو، شهردار حیفا، به مهمانانی که تکمیل پروژه بازسازی را جشن می گرفتند، گفت: «این رویداد در این شهر، در اسرائیل و در حقیقت در تمام جهان واقعاً منحصر بفرد است.»

یادآوری میراث حضرت عبدالبهاء برای مصر پس از ۱۰۰ سال



میدان محمد علی، اسکندریه، در یک کارت پستال از دوره ای که حضرت عبدالبهاء در این شهر مصری اقامت داشت. این میدان امروز به میدان تحریر معروف است.

کالج پارک، مری لند، ایالات متحده آمریکا، ۳۱ فروردین ۱۳۹۰ (۲۰ آوریل ۲۰۱۱) (سرویس خبری جامعه جهانی بهائی) - هم چنان که نامه سرگشاده بهائیان مصر، حاوی دعوت به گفتگویی ملی درباره آینده آن کشور، توجه عمومی را برانگیخته، یک کتاب تازه منتشرشده نیز بحث های مشابهی میان مصریان ۱۰۰ سال پیش را دوباره زنده می‌کند.

در کتاب عباس افندی که اخیراً توسط انتشارات الجمل در بیروت چاپ شد، سهیل بشروئی، استاد دانشگاه مری لند، نقش حضرت عبدالبهاء، عباس افندی، فرزند ارشد حضرت بهاءالله، را به طور ویژه بررسی می‌کند. کتاب به صورت چاپی و نیز برای دانلود از وبلاگ آئین بهائی در مصر موجود است.

این نخستین باری است که داستان حضرت عبدالبهاء برای خوانندگان معاصر عرب زبان که عموماً از میراث او برای جامعه خود ناآگاهند، روایت می شود.

عبدالبهاء، در مدت اولین اقامت خود در اسکندریه، بین سپتامبر ۱۹۱۰ و اوت ۱۹۱۱، با مصریانی از همه اقشار درباره اصول بنیادی برای ساختن جامعه ای کامیاب و مبتنی بر صلح سخن گفت.

استاد بشروئی می گوید: «فکر کردم مهم است که حضرت عبدالبهاء را، نه لزوماً به عنوان رهبری دینی، بلکه بیشتر به عنوان متفکری بزرگ مطرح کنم که در زمانی که تمدن ماده گرایی در اروپا و آمریکا گسترده بود و جهان اسلام را آرزوهای سیاسی و رویاهای دیگر انباشته بود، درکی از اهمیت دین را ارائه کرد.»

آقای بشروئی می گوید: «باید بگویم که حتی من به عنوان کسی که تمام عمر بهائی بوده، با نوشتن این کتاب آگاهی بسیار بیشتری از شخصیت یگانه حضرت عبدالبهاء و موفقیت گسترده او در رواج گفتگویی فرهنگی و دینی بین دنیای شرق و غرب به دست آوردم.»



این کتاب تحسین فراوان اندیشمندان معاصر عرب را برانگیخته است. تقدیر آنها از عبدالبهاء بازتاب تقدیر همقطاران شان از او در یک قرن پیش است.

ادموند غریب، کارشناس شناخته شده بین المللی در زمینه خاورمیانه، این کتاب

را «کاری بدیع و بسیار آگاهی دهنده» برای خودش تجربه ای عمیقاً تکان دهنده و روشنگر میداند. او می گوید: «باید بگویم که من به عنوان کسی که عمری بهانی بوده، واقعاً برای نخستین بار از شخصیت یگانه حضرت عبدالبهاء و موفقیت گسترده او در رواج دکتر غریب مینویسد: «فتگونی فرهنگی و دینی بین دنیای شرق و غرب آگاهی عمیق تری به دست کتاب «عباس افندی وردم»

یک پژوهش بسیار

دقیق و آموزنده است که به شناخت خاورمیانه در یک دوره بحرانی از تاریخ معاصرش کمک بزرگی می کند و آگاهی ما در باره این اصلاحگر بی نظیر را به طور قابل توجهی افزایش می دهد...»

در نقدی که در روزنامه لبنانی السفير منتشر شد، محمود شریح، نویسنده، نوشت عبدالبهاء «از آموختن پیام های مسیح و محمد در کنیسه های یهودی یا پیام محمد در کلیساهای مسیحی و پیام دین در گردهمایی های منکران خدا پروائی نداشت، زیرا اتحاد شرق و غرب را دروازه ای رو به دنیای تازه ای که عدالت، یگانگی و صلح در آن حکمفرماست، می دید.»

به نظر هنری زغیب، شاعر برجسته لبنانی، عبدالبهاء اولین فردی بود که گفتگویی جدی میان ادیان را آغاز کرد.

آقای زغیب نوشت: «با این کتاب... من به ماهیت آموزه هایی که عبدالبهاء درباره وحدت شرق و غرب انتشار داده بود و نیز پیامش مبنی بر دعوت به یگانگی ادیان پی بردم.»

ستاینندگان برجسته

حضرت عبدالبهاء در سن ۶۶ سالگی، که پس از گذراندن عمری در زندان و تبعید آزادی سفر پیدا کرد، برای یک ماه استراحت به مصر رفت، اما به خاطر نگرانی های مربوط به سلامتی اش یک سال کامل در آن جا اقامت کرد.

اما به گفته آقای بشروئی عبدالبهاء معتقد بود در مصر مأموریت ویژه ای دارد. «اول احیای حقیقت و خلوص ایمان دینی، چه اسلامی و چه مسیحی، و دوم نزدیک کردن شرق و غرب به یکدیگر.»

شمار بسیاری از مصریان برجسته از جمله عباس حلمی پاشا، آخرین خدیو مصر و سودان، احترام خاصی به رئیس دیانت بهائی از خود نشان می دادند.

استاد بشروئی می گوید: «محمد عبده، حقوقدان و پژوهشگر، نیز حضرت عبدالبهاء را بسیار ستود و نامه ای به او نوشت. وقتی این نامه را می خوانید، می بینید که نویسنده اش نور الهی ویژه ای در قلب و فکر عبدالبهاء تشخیص داده است.»

می ریحانی، برادرزاده امین ریحانی، پدر و بنیانگذار ادبیات عربی-آمریکایی و یکی دیگر از ستاینندگان حضرت عبدالبهاء، کتاب عباس افندی را به عنوان «هدیه ای برای بشریت» ستوده است.



خانم ریحانی می گوید: «ما در دوران آشفته کنونی با تعصب های دینی، سوء تفاهم میان فرهنگ ها و سهل شدن درگیری ها، بیش از همیشه به صدای عبدالبهاء نیاز داریم.»

امروز پس از یک قرن، بازتاب صدای عبدالبهاء را می توان در نامه سرگشاده بهائیان مصر خطاب به هموطنان شان شنید.

در این نامه آمده است پذیرش اصل یگانگی نوع بشر «نیازمند بازنگری عمیق هر یک از منش ها و ارزش ها و روابط مان با دیگران است تا سرانجام یک دگرگونی در قلب انسان تحقق پیدا کند.»

بهائیان مصر از فرصت پیش آمده برای بحث درباره آینده کشورشان استفاده می کنند

قاهره، مصر، ۱۴ آوریل ۲۰۱۱ (سرویس خبری جامعه جهانی بهائی) - بهائیان مصر در ایفای سهم خود در تغییرات فراگیر پیش روی جامعه شان، خواهان یک فرایند مشورتی گسترده درباره آینده کشورشان هستند.



بهائیان مصر در یک نامه سرگشاده بی سابقه می گویند ملت باید از راه حل های شتاب زده و الگوهای موجود در جوامع دیگر فراتر برود و به دنبال «رویکردی نوین و واقعاً پیشرو» باشد.

بر اساس این نامه یک «انتخاب آگاهانه» می تواند مسیر توسعه انسانی را در کل ناحیه تحت تأثیر قرار دهد و حتی بر جهان اثر بگذارد.

نامه سرگشاده خطاب به مردم مصر چشم اندازهایی را درباره پیش نیازهای «حرکت در مسیر رفاه مادی و معنوی پایدار» ارائه می کند. در آن آمده: «جایگاه مصر در نظم بین المللی - سنت روشنفکری، تاریخ، و موقعیت آن - به معنای این است که یک انتخاب آگاهانه از جانب مصر می تواند مسیر توسعه انسانی را در کل ناحیه تحت تأثیر قرار دهد و حتی بر جهان اثر بگذارد.»

چنین رویکردی شامل

وارد ساختن همه افراد ذیربط - به خصوص جوانان - در یک مشورت ملی خواهد بود تا خودشان نقش های اصلی پیشرفت و توسعه خودشان را تعیین کنند. در این نامه بر شناخت و استفاده از اصول راهنمای اساسی و پرهیز از وسوسه حرکت شتاب زده در تصمیم گیری ها و معادلات تقسیم قدرت تأکید شده است.

این نامه از زمان انتشارش در اوایل ماه، میان شخصیت های برجسته جامعه مصر - از جمله رهبران دینی، سیاست مداران، متخصصان حقوقی، فعالان حقوق بشر، نویسندگان و هنرمندان - توزیع شده است. نامه به مطبوعات و رسانه ها نیز ارسال شده و اکنون از طریق وبسایت ها و «بلاگ ها» به طور گسترده در دسترس است.

انتشار نامه در اینترنت تا کنون پاسخ های مثبتی را برانگیخته است.

یک کاربر آن را «بیانیه ای بسیار عمیق، انسان دوستانه، مدنی و پیشرو» توصیف کرده است.

دیگری نظر داده است: «نامه ای که الان خواندم مانند کتاب راهنمای خیلی خوبی برای سالیان آینده است.»



شخص دیگری می نویسد: «بیایید هر گام در مسیر ساختن مصر جدیدمان را با توجه، صبر، مشورت و اعتماد ... بسیار برداریم.»

یک فرایند مشورت

بهائیان مصر در نامه می گویند چالش پیش روی کشورشان آغاز کردن یک فرایند مشورتی درباره اصولی است که قرار است در بازسازی جامعه مورد نظر قرار گیرند.

مصريان از خطر افتادن در دام الگویی از مدل های موجود – که در آنها سودی در توان مند سازی مردم نمی بینند – دوری خواهند کرد تا جائی که همه قادر به مشارکت در فرایندهای مشورتی بشوند.

در نامه آمده است: «مشارکت مداوم و گسترده مردم در چنین فرایند مشورتی تا حد زیادی شهروندان را متقاعد خواهد کرد که سیاست گذاران هدف ایجاد یک جامعه عادلانه را در سر دارند. اگر فرصت مشارکت در چنین فرایندی به ما داده شود، باور تازه یافته ما مبنی بر این که صاحب آینده خودمان هستیم تأیید خواهد شد و نیروی موجود جمعی مان برای دگرگون سازی خودمان را درخواهیم یافت.»

اصول اساسی

نامه پیشنهاد می کند که مصریان به دقت مجموعه ای از اصول را که برای بازسازی جامعه اساسی است، مورد بررسی قرار دهند.

می نویسد: «اغلب تغییرات ناشی از اعتراض عمومی سرانجام به ناامیدی منجر می شود... به همین خاطر ضروری است که ما تلاش کنیم درباره اصول عملی که قرار است مدل تازه ای برای جامعه مان بسازد، به توافق گسترده ای برسیم.»



«این کاری بسیار دشوار است. اما پی ریختن مجموعه ای منسجم از اصول بر اساس تصورات ناهمگون با خلاقیتی که بتواند ملت ما را متحد کند دستاورد کوچکی نخواهد بود.»

چنین اصولی شامل این موارد هستند: برابری مردان و زنان؛ آموزش همگانی – که بهترین وسیله برای تأمین آزادی است که مردم به دست آورده اند؛ و ایجاد روحیه ای نو که احترام به پژوهش های علمی و ارزش های دینی را به عنوان بهترین مسیر رشد مادی در هم آمیزد.

در نامه آمده است که «در يك جامعه بالغ يك ویژگی از همه چشم گیرتر است: پذیرفتن یگانگی نوع بشر. جای بسی خوشحالی است که به یاد ماندنی ترین خاطره از ماه های اخیر، نه اختلافات دینی یا تعارض های قومی، بلکه کنار گذاشتن این اختلاف ها به نفع یک هدف مشترک است.»

یک «گفتگوی ملی»

خوانندگان نسخه آنلاین این نامه به فراخوان آن برای یک «گفتگوی ملی» پاسخ داده اند و نظرهای خودشان را در تارنماهای مختلف ارائه کرده اند. نمونه ای از بعضی نظرات چنین است:

«شکل دادن یک مسیر نو در راستایی که در این نامه قدرتمند طرح ریزی شده ... نه تنها به نفع همه مردم مصر بلکه الهام بخش همه کشورهای جهان خواهد بود. ما دعا می کنیم که خداوند تصمیم گیرندگان را هدایت کند تا چنین اصولی را که این قدر اندیشمندانه توسط بهائیان مطرح شده، با دقت بسنجند.»

«انتخابی که داریم آن است که یا [این اصول] را بپذیریم و نسبتاً بدون رنج انتقال را انجام دهیم یا در برابر آن مقاومت کرده و کار را بی اندازه دشوارتر کنیم.»

«من خیلی امیدوارم که رهبران سیاسی و فکری مصر این دستور العمل قوی را در نظر بگیرند. وقتی نظم اجتماعی، هماهنگی و احترام به حقوق اقلیت ها در میان است، آنها انتخاب زیادی ندارند...»

«این بیانیه شگفت انگیز ... هم متعالی و هم عملی است. کاش از همه مصری ها خواسته می شد پیش از گرفتن هر تصمیمی درباره آینده کشور شکوهمند خود آن را به تفصیل بخوانند و درباره اش بحث کنند.»

یک «دوره گذار بحرانی»

این نامه سرگشاده برای بهائیان مصر که به مدت بیش از ۵۰ سال با سرکوب مواجه بوده اند، اولین فرصتی است که برای ارتباط مستقیم با هموطنان خود داشته اند.

بهائیان می نویسند که «این فرصتی است که آرزویش را داشته ایم» و ابراز خرسندی می کنند که «در چنین دوره گذار بحرانی در تاریخ کشورمان، ما می توانیم سهم ناچیز خود را در گفتگویی که اکنون درباره آینده آن آغاز شده ایفا کنیم و بعضی چشم اندازهای برآمده از تجربه خود و بهائیان سراسر جهان را درباره پیش نیازهای حرکت در مسیر رفاه مادی و معنوی پایدار به مشارکت بگذاریم.»

یک فرمان ریاست جمهوری که در ۱۹۶۰ صادر و سپس توسط دولت های بعدی اجرا شد، مؤسسات اداری بهائی را منحل و فعالیت های سازمان یافته را ممنوع کرد و به دستگیری ها، تجسس، تحت نظر گرفته شدن توسط پلیس، بازرسی خانه ها و از میان بردن آثار بهائی منجر شد. افزون بر این چون بهائیان نمی توانستند از طریق قانونی ازدواج کنند، در مورد مقرری خانوادگی، حقوق بازنشستگی، ارث، طلاق، نفقه و سرپرستی کودک حق مراجعه به دادگاه ها را نداشتند.

در سال های اخیر، بهائیان مصر تحت قوانین ملی که به موجب آنها لازم بود در اسناد دولتی دین فرد ذکر شود - و این انتخاب به یکی از سه دین رسمی محدود بود - مورد تبعیض قرار داشتند. پس از یک کمپین طولانی مدت که در آن بسیاری از فعالان حقوق بشر و افراد خیرخواه از جامعه بهائی حمایت کردند، دادگاه ها سرانجام به نفع آنها رأی دادند و این تصمیم در سطح وسیع به عنوان یک پیروزی مهم برای آزادی فکر و وجدان به شمار آمد.

با وجود اینها و موارد دیگر ظلم، بهائیان مصر نظرگاه مثبت خود را حفظ کردند و - به عنوان یک آموزه اساسی دین شان - همچنان نیروی خود را وقف بهسازی جامعه خود کرده اند.

یکی از خوانندگان آنلاین نامه سرگشاده اشاره کرد که «من امیدوارم در جهت ایجاد یک مصر بهتر، برای همه ما و نه به نفع یک گروه از مردم به قیمت دیگران، همه تلاش ها به هم بیوندند.»

حکومت‌ها برگرداندن احکام زندان توسط ایران را محکوم می‌کنند

ژنو، ۱۷ فروردین ۱۳۹۰ (سرویس خبری جامعه جهانی بهائی) – حکومت‌ها و سازمان‌های حقوق بشر بازگرداندن احکام ۲۰ ساله زندان برای هفت مدیر بهائی در ایران را به سرعت محکوم کردند.

ماه گذشته مسئولان زندان به این هفت نفر اطلاع دادند که احکام ۱۰ ساله – که پس از تبرئه شدن آنها از سه اتهام در دادگاه تجدید نظر در سپتامبر سال گذشته تعیین شد – اکنون به رأی دادگاه قبلی مبنی بر احکام ۲۰ ساله زندان بازگشته است. هیچ حکمی به صورت کتبی به زندانی‌ها یا وکلای ایشان نشان داده نشده است.



این رویداد واکنش فوری و گسترده‌ای را – چه به صورت علنی و چه خصوصی – برانگیخت. اتحادیه اروپا و پارلمان اروپا و نیز دولت‌ها، نهادها و افراد، در برزیل، فرانسه، آلمان، هند، بریتانیا و ایالات متحده بیانیه‌هایی صادر کردند.

پیوستن همه این صداها حمایت در

سراسر جهان برای این است که پیام روشنی به مسئولان ایران داده شود: شما چه به عمد و چه تصادفاً این عمل را در زمانی که توجه جهانی به بحران در بخش‌های دیگر خاورمیانه معطوف است انجام داده باشید، نباید فراموش کنید که دنیا رفتارهای شما را با مردم خودتان، از جمله بهائیان کشورتان، از نزدیک نظارت می‌کند. شما نمی‌توانید بد رفتاری روشمند با شهروندان بی‌گناه را پنهان کنید.

حمایت دیپلماتیک

بانو کاترین اشتون، نماینده ارشد اتحادیه اروپا برای امور خارجه و سیاست‌گذاری امنیتی، در بیانیه‌ای به تاریخ ۱ آوریل از اخبار اخیر مربوط به رهبران بهائی ایران «نگرانی» کرد و گفت «من از مسئولان ایرانی می‌خواهم وضعیت قانونی این هفت نفر را روشن کنند» و افزود «باید به آنها و وکیلان‌شان دسترسی لازم به همه اسناد مربوط به پرونده‌های‌شان داده شود.»



بانو اشتون خواستار آزادی فوری هفت مدیر بهائی و پایان آزار اقلیت های دینی در ایران شد.

رئیس پارلمان اروپا، جرسی بوزک، نیز «نگرانی جدی» خود را از این رویدادها ابراز کرد. آقای بوزک در بیانیه ای در ۴ آوریل گفت: «من از مسئولان ایرانی می خواهم به بازداشت غیر موجه این مدیران دینی پایان دهند و شفافیت

بیشتر و توضیحات قانونی روشنی پیرامون پرونده آنها ارائه کنند.»

او گفت: «آزادی دین یا عقیده یکی از بنیادی ترین حقوق بشر است.»

وزیر امور خارجه بریتانیا، ویلیام هیگ، اظهار داشت از خبر بازگرداندن احکام ۲۰ ساله زندان «عمیقاً نگران» است.

آقای هیگ در ۴ آوریل گفت: «در ماه اوت سال گذشته، من به روشنی گفتم که ما معتقدیم این مدیران کاملاً حق دارند اعمال دینی خود را اجرا کنند. من به آنچه آن زمان گفتم پایبندم و بار دیگر از قوه قضائیه ایران می خواهم در پرونده تجدید نظر کند و آزار آئین بهائی را متوقف سازد.»



آقای هیگ افزود: «من از گزارش های مبنی بر این که این هفت نفر از سوی زندانیان دیگر و نگهبانان زندانی که به آن منتقل شده اند، مورد تهدیدهای فیزیکی قرار دارند، نیز نگران شده ام.»

«این نمونه دیگری از بی توجهی مسئولان ایرانی به حقوق قانونی مردم ایران است. در حالی که تصریح می کنم که معتقد نیستم مبنای کافی برای بازداشت این رهبران وجود داشته باشد، از مسئولان ایرانی می خواهم امنیت آنها را در زمان بازداشت تضمین کنند و همه حقوق آنها را بر اساس قوانین ایران رعایت کنند.»

نماینده دفتر امور خارجه آلمان برای سیاست گذاری حقوق بشر، مارکوس لونینگ، این احکام زندان را «شرم آور» توصیف کرد.

آقای لونینگ در ۵ آوریل گفت: «این واقعیت که این تصمیم در خفا گرفته شده بار دیگر نشان می دهد که ایران حاضر نیست شفاف عمل کند و به اصول بنیادی قانون اساسی احترام بگذارد.»

وزارت امور خارجه فرانسه در بیانیه اش به تاریخ ۱ آوریل، «خشونت، تبعیض و آزار بهائیان ایران را که آنها را از حق آزادی دین یا عقیده شان منع می کند» به شدت محکوم کرد.



ایالات متحده صدور این حکم را «گامی بی سابقه و نقض تعهدات ایران تحت میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی» توصیف کرد. در یک کنفرانس مطبوعاتی وزارت خارجه - در شهر واشنگتن در ۳۱ مارس - گفته شد که ایالات متحده از گزارش های مبنی بر بازگرداندن احکام قبلی زندان «عمیقاً ناراحت» است.

مارکوس لونیگ، ناظر امور مربوط به حقوق بشر در وزارت امور خارجه آلمان

در برزیل، نماینده فدرال لوئی کوتو - رئیس پیشین کمیسیون حقوق بشر و اقلیت ها - در اجلاس عمومی مجلس نمایندگان صحبت کرد و از کنگره ملی، جامعه برزیلی و کشورهای دیگر خواست حمایت خود را از جامعه بهائی ابراز کنند.

آقای کوتو در ۴ آوریل گفت: «اتهاماتی که رهبران بهائی را در زندان نگه داشته، کاملاً کذب هستند و برای توجیه آزار غیر قابل قبول و صرفاً مبتنی بر عقاید دینی آنها جعل شده اند.»

نامه سرگشاده ای که تا کنون به امضای حدود ۹۰ شهروند برجسته در سراسر هند رسیده، از زمان انتشار خبر بازگرداندن احکام ۲۰ ساله زندان، امضاکنندگان بلندپایه تری را جلب نموده است.

اعضای ارشد قوه قضائیه - از جمله قاضی پیشین دیوان عالی هند - و شخصیت های برجسته در حوزه آموزش اکنون به این کمپین پیوسته اند.

در بیانیه آمده: «ما به عنوان شهروندان هند، کشوری که به عنوان الگوی روح هم زیستی و مدارا برای جهان به حق بر خود می بالد، نگرانی عمیق خود را از وضعیت بهائیان زندانی و خانواده های شان ابراز می کنیم.»

«تبعیض دیرپا و عمیق»

چندین نهاد حقوق بشر نیز به گزارش های مربوط به احکام ۲۰ ساله زندان به شدت واکنش نشان داده اند.

عفو بین الملل حرکت اخیر ایران را «انتقام جویانه» و «ظالمانه» توصیف کرده است.

ملکم اسمارت، رئیس بخش خاورمیانه و آفریقای شمالی عفو بین الملل، گفت: «یک بار دیگر مسئولان ایرانی در نظام قضایی خودشان دست بردند تا اعضای یک اقلیت دینی را آزار دهند.»

«مسئولان باید به جای دو برابر کردن احکام رهبران بهائی، آنها را همین حالا آزاد و آزادی آنها را در اجرای اعمال دینی شان فارغ از تهدید و آزار تضمین کنند.»

آقای اسمارت گفت: «این گونه اقدامات خودسرانه و انتقام جویانه تذکر بهنگامی است که یادآوری می کند چرا شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد اخیراً به تعیین گزارشگر ویژه ای برای ایران رأی مثبت داده است. این تصمیم شورا کاملاً به موقع بود.»

او گفت: «این تازه ترین نمونه از تبعیض دیرپا و عمیقی است که اقلیت بهائی در ایران با آن مواجه است و به جامعه جهانی یادآوری می کند که مسئولان ایرانی چه قدر نسبت به معیارهای بین المللی حقوق بشر درباره آزادی عقیده، انجمن، بیان و حق دسترسی به محاکمه ای عادلانه بی توجه هستند.»

استوارت ویندزور، رئیس ملی نهاد همبستگی جهانی مسیحیان، گفت: «بازگرداندن چنین حکم سنگینی برای بهائیان ضربه دیگری به این گروه است.» او افزود: «روشن است که هم بهائیان و هم بعضی از جوامع مسیحی فقط بر مبنای ایمان شان مورد حمله قرار می گیرند.»

آقای ویندزور گفت: «جامعه بین المللی باید ایران را تحت فشار قرار دهد تا همه بازداشت شدگانی را که صرفاً به خاطر دین خود زندانی هستند، آزاد کند. حکومت ایران باید همچنین تضمین کند که اعضای کلیسای ایران ... از روند قانونی بهره مند و از همه اتهاماتی که بر اساس قوانین ایران هیچ محملی ندارند، تبرئه می شوند.»

هفت مدیر بهائی - فریبا کمال آبادی، جمال الدین خانجانی، عقیف نعیمی، سعید رضائی، مهوش ثابت، بهروز توکلی و وحید تیزفهم - همه اعضای یک گروه موقتی ملی بودند که به نیازهای جامعه بهائی ایران رسیدگی می کرد. آنها در زندان گوهردشت - حدود ۵۰ کیلومتری غرب تهران - زندانی هستند.

حمایت فرهیختگان ایران وسایرنقاط عالم ازجامعه مظلوم وشجیع بهائی درایران

پنجمین نامه سرگشاده عنایت الله سنایی "همسر طره تقی زاده"، زندانی بهایی
به رئیس قوه قضائیه



مهندس طره تقی زاده،
زندانی بهایی که از ۱۸ دی ماه
۸۹ دوران ۲۲ ماهه حبس خود را
سپری می کند هم اکنون در زندان
کجویی ساری به سر می برد.
عنایت الله سنایی همسر این
زندانی تا کنون چهار نامه خطاب
به رئیس قوه قضائیه نوشته است.



پنجمین نامه وی خطاب به جناب آیت الله صادق لاریجانی ، که نسخه ای از آن در اختیار کمیته گزارشگران حقوق بشر قرار گرفته، به شرح زیر است: (این خبرنامه قسمتهائی از آن را درج مینماید)

خطاب به رئیس محترم قوه قضا ئیه جناب آیت الله صادق لاریجانی :

... بر هر فردِ منصف و آزاده ای ثابت و مبرهن گردید که اسلام در اصل هیچ گونه مخالفتی با آزادی دین و بیان نداشته و هر گونه سخن و ادعائی خلاف این حقیقتِ مسلم ، توهینی واضح و بُهتانی آشکار به اساس این دین الهی محسوب می شود... چه که پیامبران همانند پزشکانند که جهت شفای آلام و امراض روحی و اخلاقی و اجتماعی عالم بشریت به تجویز دوا و دارو (البته به اقتضای زمان و مکان) اقدام می نمایند... البته باید بپذیریم که " هزار نکته باریکتر ز مو اینجاست " چه که بر آنچه ذکر شده شُبّهات و اعتراضات فراوان وارد نموده اند که تریبونی آزاد لازم است تا به تک تک آنها جواب داده شود و حقیقت آنگونه که هست آشکار گردد. چه که به فرموده حضرت علی (ع) : " پیکر حق همیشه در پیراهن باطل پوشیده و پنهان است ، رادمردی باید که دست تحقیق و تتبع دراز کند و آن پیکر پاک را از جامه نارسا و آلوده فریب ، عریان سازد. " (نهج البلاغه ، ترجمه جواد فاضل ، ص ، ۲۷۲)

از مطلب دور شدیم " اگر چه همه، ذکر مطلب است " و بیان حقایق ، لذا اجازه می خواهم در این نامه به درج چند نمونه از بیانات و نظریات بعضی از حکما و علما و محققین بزرگ اسلام درباره آزادی دین و بیان و عقیده اقدام نموده و قضاوت را به عهده قضاتی که ملبّس به ردای انصاف و تقوایند نمایم :

الف : آزادی دین و بیان از دیدگاه استاد مطهری :

۱- استاد مطهری در کتاب « سیری در سیره نبوی » می نویسد:

« آیا در اسلام اجبار بر ایمان وجود دارد که مردم را مجبور کنید که مؤمن بشوند؟ نه. به چه دلیل؟ به دلایل زیادی. اولین دلیلش این است که ایمان اجبار بردار نیست. آنچه پیغمبران



می خواهند ایمان است نه اسلام ظاهری و اظهار اسلام، و ایمان اجبار بردار نیست چون ایمان اعتقاد است، گرایش است، علاقه است. اعتقاد را که با زور نمی شود ایجاد کرد، علاقه و مهر و محبت را که به زور نمی شود ایجاد کرد، گرایش باطنی را که به زور نمی شود ایجاد کرد. آیا پدر و مادری به دخترشان - که پسری را که از او خواستگاری می کند دوست ندارد- بگویند: الان کاری می کنیم که او را دوست داشته باشی، چوب فلک را بیاورید، اینقدر می زنیم تا او را دوست داشته باشی؟! بله، می شود آنقدر کتکش زد تا بگوید دوست دارم یعنی حرفش را به دروغ بگوید، اما اگر تمام چوبهای دنیا را به بدن او خرد کنند آیا ممکن است که با چوب، دوستی ایجاد بشود؟! چنین چیزی محال است.

آن، راه دیگری دارد. اگر می‌خواهیم ایمان در دل مردم ایجاد کنیم، راهش جبر و زور نیست، راه آن حکمت است، «الْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ» است، «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» است. .. " (استاد مطهری، سیری در سیره نبوی، ص ۱۹۶ و ۱۶۷)

۲- جناب مطهری در کتاب " آینده انقلاب اسلامی ایران " مینویسد :

«من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می‌دهم که یک وقت خیال نکنند که حفظ و نگهداری اسلام [با سلب آزادی بیان تحقق می‌یابد.] برخی جوانان خیال نکنند که راه حفظ معتقدات اسلامی و جهان بینی اسلامی این است که نگذاریم دیگران حرفهایشان را بزنند. نه، بگذارید بزنند ... تصور نشود که با جلوگیری از ابراز افکار و عقاید می‌شود از اسلام پاسداری کرد. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن منطق و آزادی دادن و مواجهه صریح و رُک و روشن با افکار مخالف است.» (مرتضی مطهری، آینده انقلاب اسلامی ایران، ص ۴۹-۴۸)

«هر کسی در درجه اول فکرش باید آزاد باشد، بیان و قلمش باید آزاد باشد. اما فکر آزاد باشد یعنی اگر کسی واقعاً منطقی و فکری دارد فکر خودش را بگوید. اتفاقاً تجربه های گذشته نشان داده است که هر وقت در جامعه ما نوعی آزادی فکری بوده - ولو از روی سوء نیت هم بوده است- این امر به ضرر اسلام تمام نشده، بلکه به سود اسلام تمام شده است (همان ماخذ، ص، ۹۴)

« جمله دیگر که در میان ما مکرر بازگو می‌شد، در فرمانی است که علی (ع) به نام مالک اشتر نوشته است و مکرر شنیده اید. به مالک، والی و استاندار مصر که از طرف او تعیین شده است، می‌نویسد: به مردم درس آزادمنشی بده، کاری نکنی که چون تو مافوق مردم هستی مردم را ساکت کنی، مردم را تحقیر کنی، صدای مردم را خفه کنی، به دلیل این که تو مافوق هستی آنها مادون ... بعد می‌گوید: به مردم جرأت و شهامت بده، میدان را برای اعتراض مردم باز کن، بگذار بیایند حق خودشان را از تو مطالبه کنند و نترسند. چرا باید مردمی از والی و حاکم خودشان ترس و رعب داشته باشند؟» (همان ماخذ، ص ۱۲۷)

ب : دیدگاه آیت الله محمد حسین طباطبائی

مفسر قرآن کریم آیت الله محمد حسین طباطبائی در تفسیر مشهور خود " المیزان " می‌نویسد :



"در جمله " لا اکراه فی الدین " دین اجباری نفی شده است. چون دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف، یک کلمه است و آ عبارت است از اعتقادات و اعتقاد و ایمان هم از امور قلبی است که اکراه و اجبار در آن راه ندارد." (ص ۵۲۳ و ۵۲۴)

و نیز در قسمتی دیگر از این تفسیر آمده است که :

" . . . و این آیه شریف یکی از آیاتی است که دلالت می‌کند بر این که مبنا و اساس دین اسلام شمشیر و خون نیست و اکراه و زور را تجویز نکرده . پس

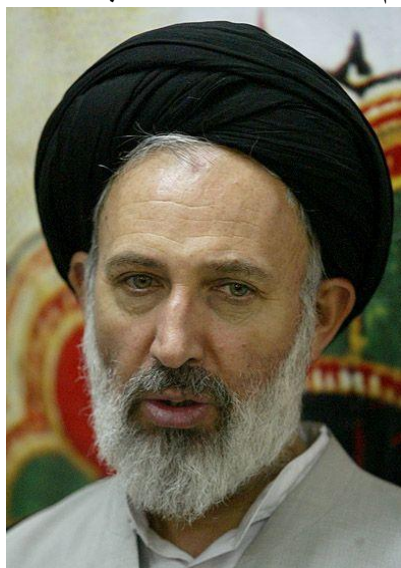
سست بودن سخن عده ای از آنها که خود را دانشمند دانسته ، یا متدین به ادیان دیگر هستند و یا به هیچ دینانی متدین نیستند و گفته اند که اسلام دین شمشیر است و به مسئله جهاد که یکی از ارکان این دین است استدلال نموده اند معلوم می شود. " (ص ۵۲۴ و ۵۲۵)

همچنین در مقامی دیگر می فرمایند :

" چون حق روشن است ، بنابراین قبولاندن حق روشن اکراه نمی خواهد و این معنا چیزی است که حالش قبل از نزول حکم قتال و بعد از نزول آن فرق نمی کند. پس روشنائی حق امری است که در هر حال ثابت و نسخ نمی شود. " (ص ۵۲۶)

ج: چند نمونه از " کتاب آزادی در قرآن "

سید محمد علی ایازی محقق و مؤلف کتاب " آزادی در قرآن " با استناد به آیاتی از قرآن کریم ، سخنان پیامبر (ص) و ائمه اطهار و نیز با ذکر دلایل عقلی و بیان مقتضیات زمان ، دهها دلیل آشکار در اثبات آزادی دین و بیان و عقیده در اسلام نقل کرده است که به چند نمونه از آن ذیلاً اشاره می شود :



۱- تنوع و چندگانگی فکر و عقیده، طبیعی هر جامعه ای است و تقریباً گریزناپذیر است که در این جامعه افکار و عقاید و ادیان مختلفی وجود داشته باشد ... اضافه بر اینکه خداوند هم در نظام تکوین اسباب و مقدمات چندگونگی فکر و عقیده را فراهم کرده است و هیچ وقت از وسایل تکوینی اجباری برای انقیاد و مطیع کردن بندگان استفاده نکرده است. (سید محمد ایازی ، آزادی در قرآن ، ص ۱۵۴)

۲- «آزاد گذاشتن افراد برای طرح عقاید خود گرچه آن افکار مخالف و ضد دین باشد - خطر و ضرری برای دین ندارد و از نظر اسلام، نسبت به آن منع و تحذیری نرسیده است. تجربه بشری ثابت کرده، آنچه ضرر داشته، منع و جلوگیری ای بوده که به نام دین، حتی از عقاید غیر خلاف و جنگهای خانماسوز دینی و مذهبی شده و فکر جامعه را به انحطاط و ابتدال و تنگ نظریها سوق داده است.»

سپس در قسمتی دیگری از کتابش می نویسد: «اگر عقیده و فکری اشتباه و بر خلاف حق است، باز نباید مانع انتشار آن شد، زیرا باز گذاشتن دست مخالفان، نوعی تلاش و کوشش را از سوی معتقدان حق دامن می زند و زمینه رقابت فکری و فرهنگی و تبادل آرا را به وجود می آورد. در حالی که حذف کنندگان آن، باز به هر تقدیر زبان برده اند، چون اگر فضای بحث و گفتگو و حتی اصطکاک عقاید را آزاد می گذاشتند از برخورد حق و باطل چهره حق شفافتر دیده می شد ... امیر مؤمنان در این باره می فرماید: اضربوا بعضَ الرأی ببعضِ یتولّد منه الصّواب، امخضوا الرأی مخض السقاء. (یعنی) رأیها را برخی بر برخی دیگر عرضه کنید که رأی درست این گونه پدید می آید. همچون شیری که برای بیرون کردن کره آن در میان مشک می ریزند و می زنند. »

«منع بیان عقیده ای به دلیل اطمینان بر بطلانش معارض با عقیده گروه مخالف است که به حق بودن عقیده خود اطمینان دارد و از آنجا که در بخشی عظیم از مسائل انسانی و معارف الهی تفسیرهای متفاوت وجود دارد و حق با باطل ممزوج شده است، این احتمال جدی است که ممانعت از بیان، سدی بزرگ است در مقابل شفاف کردن حق و منجر به تفسیر دلخواهی از حقایق خواهد شد.» (همان ماخذ، ص ۱۷۰ و ۱۷۱)

«وانگهی شاید در گذشته ما می توانستیم از رواج فکر باطل جلوگیری و آن را محو و نابود کنیم و از انتشار آن ممانعت به عمل آوریم، و با نابود کردن کتاب یا رساله و یا به حبس انداختن قائل از گمراه کردن مردم جلوگیری کنیم. اما در عصر کنونی که ما در دهکده جهانی قرار گرفته ایم و ارتباطات آنچنان قوی و گسترده است، این جلوگیری نه تنها مؤثر نیست که چه بسا موجب رونق باطل و تقویت آن خواهد شد. بنابراین در شرایط فعلی تنها راه برخورد با افکار منحرف فکری و مقابله علمی است اگر نگوییم این روش همیشه مؤثر است. امیر مؤمنان در جمله ای می فرماید: "توانایی آن کسی که به سراغ دلیل و استدلال می رود، بیش از توانایی کسی است که قدرت و ابزار سیاسی و نظامی دارد و آن را به کار می گیرد" فقهای بزرگ گذشته ما همواره شعارشان این بوده "نحن ابناء الدلیل" ما فرزندان دلیل و برهان هستیم و تنها چیزی که ما را قانع می کند مدرک و دلیل است. وقتی بزرگان دینی شعارشان چنین بوده است چگونه می توانیم جامعه را با منع و تشدید قانع کنیم و از طرف آنها قیومیت کنیم و حق تشخیص را از مردم سلب کنیم.» (همان ماخذ، ص ۲۱۵ و ۲۱۶)

۸- «اما این سخن نیز نمی تواند درست باشد، زیرا به صرف اینکه بعضی از مردم گمراه می شوند و یا به علت قصور فهم دچار اشتباه می گردند ما نمی توانیم از حق بیان کسی جلوگیری کنیم، چون این عمل دلیل می خواهد، و مشکل اشخاص به خودشان مربوط است. ما نمی توانیم به این دلیل که کسی منحرف می شود و خود دارای قصور فهم است، مانع حرف حق کسی شویم... بنابراین اگر انتشار مطالب حقی به دلیل بدفهمی دیگران منجر به گمراهی کسی می شود، ما نمی توانیم به این دلیل مانع انتظار آن شویم و افراد باید مشکل خودشان را خودشان حل کنند و اینکه فرد به خاطر نوشته حقی یا غیر باطلی منحرف می شود دیگر به گوینده و نویسنده آن ارتباطی ندارد، چنان که به جامعه هم مربوط نمی شود.» (همان ماخذ، ص ۲۲۶ و ۲۲۷)

«وقتی از آزادی بیان، اندیشه و ابراز عقیده در مسائل فکری و سیاسی بحث می شود، منظور آزادی مخالفان است، وگرنه اگر کسی موافق با اندیشه جامعه سخن گفت یا از اکثریت دفاع کرد، این آزادی دارای ارزش نیست. اینکه در جامعه عده ای به نفع صاحبان قدرت سخن بگویند یا به مخالفان هر چه می خواهد بگویند و مخالفان هم نتوانند پاسخی بدهند دلیل بر آزادی نیست. منظور از آزادی، قدرت و اختیار عقیده، و انتشار آن در فضای مخالف قدرت حاکم است. موافق قدرت، سخن گفتن نیاز به آزادی ندارد. زیرا مانعی برای او وجود ندارد. بر سریر قدرت سخن گفتن امنیت و حمایت نمی خواهد این مخالف است که در اقلیت و بر خلاف جریان حاکم قرار دارد و لذا نیاز به امنیت جانی و مالی و عرضی برای سخن گفتن و ابراز اندیشه خود دارد.» (همان ماخذ، ص ۲۴ و ۲۵)

«مردم اصولاً حق حیات و آزادی دارند و هر عقیده ای برای صاحبانش محترم است، به همین دلیل، مخالف می تواند از عقیده خود دفاع کند و آن را برای دیگران بیان کند. آزادی اجتماعی به معنای برخورداری از نوعی قدرت تحت حمایت جامعه برای ابراز عقیده و اندیشه است. از این روی می توان آزادی را نوعی حق انسانی تلقی کرد.»

(همان ماخذ، ص ۳۲)

« وقتی سخن از آزادی بیان می رود به این معنا نیست که آن سخن در داخل محدوده اندیشه اسلامی باشد، بلکه به تعبیر شهید مطهری افراد هر جور که می خواهند بیاندهند و هر جور می خواهند عقیده خود را ابراز کنند. از این جهت اسلام محدودیت قائل نشده و نگران طرح عقاید انحرافی در جامعه هم نیست.»

(همان ماخذ، ص ۱۹۷ و ۱۹۸)

نقل از سایت خبری کمیته گزارشگران حقوق بشر ۲۸ فروردین ماه ۱۳۹۰

حضرت بهاءالله میفرمایند: *قوله الاعلی:*

"جمع از برای اصلاح عالم خلق شده اند. لعمرالله شئونات درنده‌های ارض لایق انسان نبوده و نیست. شأن انسان رحمت و محبت و شفقت و بردباری با جمیع اهل عالم بوده و خواهد بود"
(منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله، نشر اول، ص ۱۴۰).

چند خبر کوتاه از ایران



اخبار واصله از ایران حاکی از دستگیریها و محاکمات و صدور احکام جدید برای یاران عزیز الهی است .

در شهر تهران در تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۸۹ آقای مصباح منقطع پس از بازرسی خانه و ضبط برخی وسایل شخصی اش دستگیر شد ، در کرمانشاه در ۱۸ فروردین ۱۳۹۰ آقای پیمان قیامی توسط مأموران وزارت اطلاعات پس از بازرسی خانه و ضبط برخی وسایل شخصی از جمله مطالب مربوط به آئین بهائی دستگیر شد، در ۲۰ فروردین ۱۳۹۰ خانم سارا محبوبی ساکن ساری توسط مأموران وزارت اطلاعات دستگیر شد. خانم محبوبی پیشتر در ۳ تیر ۱۳۸۹ دستگیر و در ۲۷ تیر ۱۳۸۹ پس از ارائه وثیقه به ارزش ۵۰ میلیون تومان (حدود ۵۰۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شده بود. در ۲۰ فروردین ۱۳۹۰ محل سکونت خانم درسا سبحانی ساکن ساری توسط مأموران وزارت اطلاعات بازرسی شد. ظاهراً قصد آنها دستگیری وی بوده، ولی او در آن زمان در خانه نبود. خانم سبحانی پیشتر در ۱۵ اسفند ۱۳۸۸ دستگیر و در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۹ پس از ارائه وثیقه به ارزش ۵۰ میلیون تومان

(حدود ۵۰۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شده بود. آقای دیدار رئوفی ساکن تهران که در ۲۳ بهمن ۱۳۸۹ به دادگاه احضار و محاکمه شده بود، به سه سال زندان محکوم شده است. او علیه رأی صادره تقاضای تجدید نظر داده است. آقای رئوفی قبلاً در ۲۵ دی دستگیر شده بود و در ۲۷ اسفند ۱۳۸۷ مجبور شد مبلغ گزاف هفتاد میلیون تومان (حدود ۷۳۴۵۰ دلار آمریکا) به عنوان وثیقه ارائه دهد.

تخریب گلستان جاوید :

در هفته اول تعطیلات نوروز ایرانی، هفتاد درخت کاج از گورستان بهائی اصفهان توسط خراب کاران ناشناس از ریشه کنده و برده شد. به مسئولان قانونی شکایت شده و ظاهراً مسئله توسط آنها پیگیری می شود.

آزادی با قرار وثیقه:

در ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ خانم ها ژینوس نورانی، زهره نیک آئین (تبیانی)، ترانه احسانی و آقای پویا تبیانیان، همه ساکن سمنان که در ۲۱ اسفند ۱۳۸۹ دستگیر شده بودند، پس



از ارائه وثیقه به ارزش گزاف ۱۰۰ میلیون تومان (حدود ۱۰۰۰۰۰ دلار آمریکا) برای هر یک آزاد شدند. آقای تبیانیان در ۱۷ اسفند ۱۳۸۷ دستگیر و به دو سال زندان محکوم و در ۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ به صورت مشروط آزاد شده بود. افزون بر آن، خانم الهام روزبهی (متعارفی) که در ۲۱ اسفند ۱۳۸۹ پس از بازرسی خانه و ضبط وسایل شخصی دستگیر شده بود نیز با ارائه سند ملکی به عنوان وثیقه آزاد شد. همچنین آقای نادر کسائی که در ۲۱ اسفند ۱۳۸۹ پس از بازرسی خانه و ضبط وسایل شخصی بازداشت شده بود، در

۱۸ فروردین ۱۳۹۰ با قید وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی (حدود ۱۰۰۰۰۰ دلار آمریکا) آزاد شد. نقل از سایت سرویس خبری جامعه بهائی ۵ فروردین ۱۳۹۰ تا ۲۷ فروردین ۱۳۹۰

عکسها ئی از فعالیتهای نوجوانان و جوانان بهائی در فعالیتهای اساسی نقشه دردنیا:



حضرت بهاء الله میفرماید: "باری، عنقریب ید قدرت محیطهء الهیه نفوسی چند خلق فرماید که جمیع احجاب را خرق نمایند و بی ستر و حجاب به مکمن ربّ الأرباب در

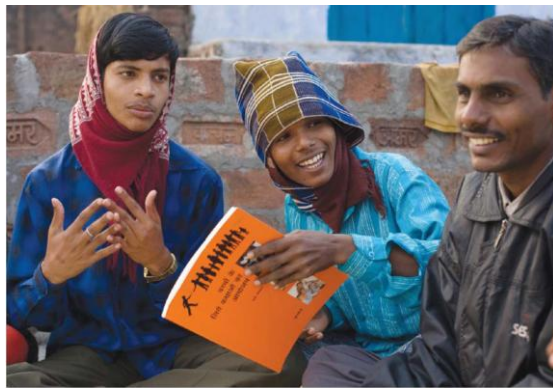
آیند و در سبیل محبوب از هیچ آبی مخمود نشوند و از هیچ ناری جزع ننمایند؛ غیر معبود را

مفقود شمردند و ماسوای مقصود را معدوم مشاهده نمایند و در کلّ اوان اهل امکان را به سلاسل بیان به رضوان قدس رحمن گشند. قسم به آفتاب معانی که انوار این نفوس اهل ملأ اعلی را مستنیر نماید، چنانچه شمس اهل



(مائده آسمانی، ج ۷، ص ۲۶-۲۵)

ارض را"



برنامه های تواندهی نوجوانان بیهار هندوستان

حضرت عبدالبهاء می فرمایند: "در این قرن اعظم مبارک، که آفتاب روشن قرون اولی و نیر منور قرون آخری است، نفوسی از رقد هوی مبعوث شوند که چون شمع در انجمن عالم به نور استقامت برافروزند و چون بحر به محبت جمال مبارک بخروشند و چون بنیان عظیم و چون سدی از زبر حدید به عهد و میثاق الهی مستقیم و به ایمان و

پیمان ربّانی مستدیم گردند و مقاومت و مداومت شدید به جنود نقض و نکث نمایند و

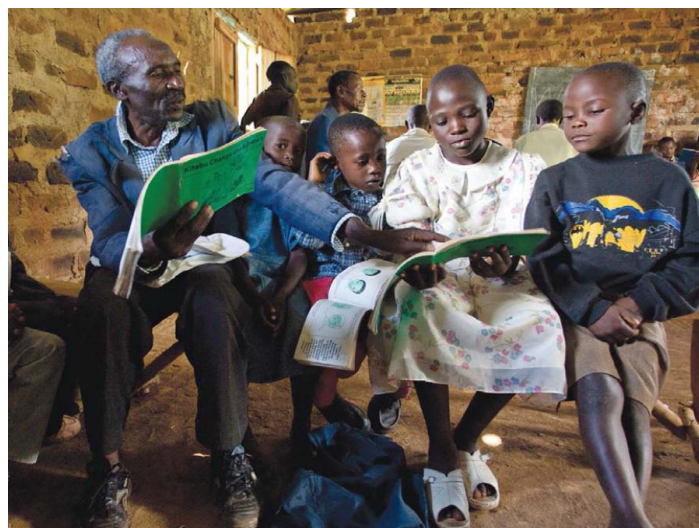
کل را به ثبوت و رسوخ بر امرالله دلالت فرمایند؛ حصن حصین کلمةالله را لشکر پرشکوهند و مدینه امرالله را محافظ و مدافع بر مهاجمین انبوه"

(من)

مکاتیب عبدالبهاء، ص ۲۳۳)

وایضا " حضرت ولی امرالله میفرمایند:

مطمئن باشید که آنچه از قلم اعلی ثبت شده و از کلک میثاق نازل گشته، حوادث زمان و شؤون امکان و اجراءات و اقدامات رجال ارض به نحوی غیرمستقیم وسائل مکنونه غیبیه ای را متدرجاً محض اجرای نصوص الهیه چنان



کلاس درس اخلاق اطفال کنیا



فراهم آرند که جمیع
مبهوت و متعجب و
متذکر گردیم.

وقت اطمینان
است و یوم یوم همت
و جانفشانی. باید به
اعمال پسندیده اوامر
الهیة را اجرا نماییم و
توکل به حق کنیم تا
آنچه را اراده فرموده
من دون تأخیر تحقق
یابد.

بیت العدل اعظم الہی
در
پیام
۲۸ دسامبر ۲۰۱۰ خطا

ب به مؤتمر مشاورین قاره ای میفرمایند:

بر همه باید روشن باشد که هدف فرایندی که سلسله نقشه‌های جهانی کنونی آن را
به پیش می‌برد این است که با رویکردهایی که دنبال می‌کند و روش‌هایی که به کار می‌برد در
مردم جهان از هر گروهی، بدون توجه به طبقه یا پیشینه مذهبی و بدون در نظر گرفتن قوم
یا نژاد و صرف نظر از جنسیت یا موقعیت اجتماعی، قابلیت ایجاد نماید تا به پا خیزند و به
پیشبرد تمدن بشری کمک نمایند.